

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Iran's M.

انینة ایران

جمعی از کمونیست های انقلابی – ایران

۱۸ جون ۲۰۲۱

رای ما سرنگونی انقلابی جمهوری اسلامی و برقراری جامعه ای نوین است!

انتصاب دوره اخیر حکومت اسلامی برای این "انتخابات" ریاست جمهوری ایران تعجب بسیاری را برانگیخت. نه به این دلیل که یک جلاّد مشهور که نامش بیش از هر چیز با آدم کشی، اعدام و "هیأت مرگ" گره خورده برای این چنین مقامی تعیین شده است. چرا که گردانندگان اصلی این رژیم همان جلاّدان و آدمکشانند. سؤال این است که چرا حکومت به عکس دوره های قبل آن چنان تنور انتخابات را گرم نکرد؟ حتی تلاشی برای حفظ ظاهرهم نکرد؟ رژیم مفلوکی که برای به دست آوردن قطره ای مشروعیت تنها اش صندوق های قلبی رای بود، چرا رقبانی که همگی از خودی ترین مهره های این رژیم هستند را حذف کرد و به توهم زدانی در میان توده های مردم بیش از پیش کمک کرد؟ چرا حکومت با دست خود ماهیت و واقعیت صندوق های انتخاباتی این نظام پوسیده را این چنین پوست کنده و عریان به معرض نمایش گذارد؟

اگر رژیم اسلامی تا مدتی پیش تلاش می کرد رقابت های انتخاباتی میان باندهای اسلامی و عناصر خودی و حافظان این نظام استثمار و ستمگرانه را تحمل کند، امروز حتی تحمل رقابت نزدیک ترین عناصر خودی را هم ندارد و کوچکترین ریسکی را به جان نمی خرد. ممکن است این حرکت از سر استیصال باشد اما بی حساب و کتاب نیست. ممکن است قمار بزرگی برای رژیم باشد اما در خدمت به هدف و ستراتیژی خاصی است که رژیم نه امروز بلکه بیش از یک دهه است که آغاز کرده است. روندی که قبل از «انتخابات» ۸۸ و مهندسی آن آغاز شد و در شرایط کنونی به مرحله بالاتر رسیده است.

گردانندگان اصلی حکومت اسلامی به سرکردگی خامنه ای، در فکر تغییرات اساسی در سیاست های کلان خود شدند، تغییراتی که نه امروز بلکه بیش از یک دهه است که آغاز شده است. آنان به این نتیجه رسیدند که روند بی پایگی نظام شان در میان توده ها با سرعتی شتاب گیرنده به پیش می رود. در همان زمان متوجه شدند که دیگر با رشد نارضایتی توده های مردم در عرصه های مختلف و در میان اقشار مختلف نمی توانند نظام شان را با مشروعیتی که از مبارزات مردم در سال های ۵۷ به عاریت گرفته بودند و یا با استفاده از ایدئولوژی اسلامی و یا بهانه های جنگ و شعارهای قلبی ضد امریکائی و غربی سرپا نگاه دارند و حفظ کنند. در نتیجه مجبور شدند که

مسیر دیگری را در پیش گیرند که تغییرات اساسی را در سیاست های کلان رژیم در بر داشت. مهمترین این جهت گیری تمرکز بر گسترش نفوذ منطقه ای جمهوری اسلامی بود. اگر چه با استفاده از مذهب شیعی و اسلام گرایی نفوذی را از قبل داشت اما با اشغال عراق و افغانستان، شرایط برای گسترش بیشتر فراهم شده بود و تلاش کرد تا با اختصاص بودجه عظیمی که در نتیجه افزایش قیمت نفت در دوران ریاست جمهوری احمدی نژاد به دست آمده بود دامنه نفوذ خود را در لبنان، سوریه، عراق، افغانستان و یمن افزایش دهد. اما گسترش این نفوذ از یک طرف و سرمایه گذاری بر سر پروژه هسته ای و در کنار آن تلاش برای محکم کردن بندهای بین المللی با جناح بندی های امپریالیستی اجزاء این سیاست و جهت گیری در عرصه بین المللی بود که برای بقا و حفظ نظام استثماری لازم بود. اما چنین جهت گیری توسط یک رژیم ضعیف و وابسته مستلزم تغییرات مهمی در عرصه داخلی نیز بود که حکومت اسلامی بلافاصله دست به کار شد. مسأله اول یکدست کردن هر چه بیشتر رژیم و حذف انتخابات شان و حذف ابراز مخالفت ها و فرصتها میان باندهای درون رژیم بود. دیگر حق اظهار نظر در مورد مدیریت حکومت اسلامی، در مورد چگونگی حفظ نظام، در مورد وابستگی به امپریالیست ها و قدرت های بزرگ باید محدود می شد و همگی تابع نظر رهبر حکومت اسلامی و نهادهای تحت نظر او مانند سپاه پاسداران و دستگاههای اطلاعاتی می شدند. در نتیجه موضوع حذف جناح های مخالف به خصوص اصلاح طلبان حکومتی آغاز شد. در حقیقت مهندسی انتخابات ۸۸ نه در حد یک جرزنی و تلاش برای غلبه جناح اصولگرا بلکه هدف آغاز تصفیه این جناح بود.

تصفیه ای که ادامه یافت و امروز دیگر جناحی به نام اصلاح طلب در حکومت به غیر از چندین عنصر تابع و یا خنثی وجود خارجی ندارد. اما این تصفیه به دیگر باندها نیز گسترش یافت، به گونه ای که در انتخابات دور بعد سال ۹۲ صلاحیت رفسنجانی که باندش یکی از ارکان اصلی و اولیه جمهوری اسلامی بود و همچنین صلاحیت رحیم مثنائی معاون احمدی نژاد حتی برای شرکت در انتخابات رد شد. به عبارت دیگر اینبار کار به تقلب در انتخابات نکشید بلکه از همان ابتداء رقابتی بالقوه حذف شدند. این مسأله اخیراً توسط حیدر مصلحی وزیر اطلاعات دوران احمدی نژاد که توسط خامنه ای تعیین شده بود در یک مصاحبه تلویزیونی عملاً تأیید شد. او گفت که بر اساس گزارشات وزارت اطلاعات او به شورای نگهبان توصیه کرده بود که صلاحیت رفسنجانی در سال ۹۲ رد شود. او همچنین گفت که این تصمیم بر اساس مصلحت نظام بوده است. اما علی رغم آن نکته ای در اظهاراتش بود که انتخاب رفسنجانی در مسیر سیاست های کلان نظام قرار نمی گرفت. انتخاب رفسنجانی می توانست به تضاد ها دامن زند و جنگ قدرت میان باندهای رفسنجانی و خامنه ای را دامن بیشتری بزند و در واقع نقشه یک دست کردن حاکمان را در هم بریزد.

افتضاح تأیید صلاحیت ها توسط شورای نگهبان در "انتخابات" سال ۹۲ و حذف آشکار عناصر مهم جمهوری اسلامی به گونه ای بود که خامنه ای و باندش صلاح را در آن دیدند بدون آن که به اهداف سیاست های کلان شان ضربه ای وارد کند روحانی از عناصر نزدیک به رفسنجانی را تأیید صلاحیت کنند. این سازش تغییری در سیاست های رژیم ایجاد نمی کرد بلکه بدین معنی بود که روحانی خود را با گفتمان میانه روی (ملغمه ای از گفتمان اصلاح طلبی و اصول گرایی) معرفی کرد اما در عمل در راستای سیاست های حاکم جمهوری اسلامی قدم برداشت و به مرور همان گفتمان ظاهری را تغییر داد و شمشیر را از رو بست. (برای مطالعه بیشتر در مورد تغییر سیاست کلان جمهوری اسلامی در دهه ۸۰ که تا به امروز ادامه دارد به جزوه " بررسی خیزش های اخیر و نیروهای منتسب به جنبش کمونیستی ایران" توسط ما رجوع کنید)

با توجه به انتصاب کنونی به نظر می رسد که رژیم همچنان در پیشبرد سیاست نوین خود به پیش می تازد اما این تنها یک وجه قضیه است. وجه دیگر آن تضادهایی است که با آن روبه رو است و تضادهایی که پتانسیل سربرون آوردن دارند. شرکت در بازی های خطرناک جنگ های امپریالیستی در منطقه همراه با هزینه هنگفت گسترش نفوذ منطقه ای به منظور بقاء نتایج مخرب و هولناکی را برای توده های مردم در بر داشته است. تضاد توده های مردم با کل حکومت و جناحها و باندهای مختلف آن شدت و حدت بیشتری یافته است. رژیم از همان ابتداء با خیزشی روبه رو شده ضربه ای به قدر قدرتی این رژیم خودکامه بود اما بدانجا منتهی نگشت. زمین لرزه های تکان دهنده ای بین انتخابات سال ۹۶ و انتصاب کنونی در جامعه ایران رخ داده است. شورش های عظیم دی [جدی] ۹۶ و آبان [عقرب] ۹۸ که نقطه عطف مهمی در مبارزات مردم علیه این رژیم جنایت کار بودند، به وقوع پیوست. التهابی را که این شورش ها در جامعه ایجاد کردند هنوز از بین نرفته است و پس ضربه های آن دامن رژیم را همچنان گرفته است. جانیان حاکم تصور می کردند که با قلع و قمع وحشیانه جوانان شورشگر به خصوص بعد از خیزش آبان ۹۸ مسأله را هم چون سالهای ۶۰ برای مدتی می خوابانند اما این خیالی باطل بود. چرا که در دوران دیگری به سر می بریم، در دورانی که جامعه انفجاری است. نه تنها خانواده های جانبازان بلکه طیف بسیار وسیعتری از مردم به دادخواهی برخاسته اند. جامعه ایران از آن زمان روزی نبوده است که با مبارزات اقشار مختلف مردم روبه رو نباشد. مبارزات و مخالفت های بی شماری از جانب اقشار و طبقات مختلف مردم از جانب کارگران، زنان، معلمان، بازنشستگان، زندانیان سیاسی، روشنفکران.... که زیربیدادگری های عظیم سیاسی، اقتصادی و اجتماعی قرار دارند، همچنان در جریان است.

اما عدم شرکت در این مضحکه انتخاباتی جبهه نبرد دیگری را میان مردم و رژیم باز کرده است که توده های مردم در آن نقش فعالانه ای را به عهده گرفته اند. اگر چه رژیم تلاش دارد نقشه خود را حقه کند اما ابتکارات توده های مردم تنها "رای بی رای" و "عدم شرکت در انتخابات" و امثالهم نیست موضوع تنها تحریم نیست بلکه نقش فعال در تحریم همراه با افشاگری های خانواده های جانبازان و توده های زحمتکش و طیف وسیعی از مردم با تأکید بر این که "رای من سرنگونی این رژیم جنایتکار است" و همچنین پاره کردن و به آتش کشیدن تابلوهای تبلیغاتی کاندیداهای این مضحکه، رژیم را از هم اکنون نیز غافلگیر کرده است و در واکنش به آن به تهدید و ترعیب علیه مردم پرداخته است. اگر چه رژیم ممکن است در این عرصه های تاکتیکی شکستهایی را متحمل شود اما شکست واقعی تعیین نشده است و با سرنگونی و آنهم سرنگونی انقلابی و برقراری جامعه ای نوین برای رفع هر شکل از ستم و استثمار در خدمت به منافع توده های مردم رقم می خورد. مسیری که کل مبارزات و مخالفت ها باید در خدمت آن قرار گیرد.

جمعی از کمونیست های انقلابی - ایران

خرداد [جوزا] ۱۴۰۰